

دکتر بیژن زارع

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تربیت معلم

نقش

سیر و سفرهای تفریحی و علمی در توسعه عام‌گرایی دانش‌آموزان

اصطلاح در حال توسعه باشد، به دلیل رواج انگاره‌های ارزشی خاص‌گرا، عاطفی و انتشاری، قوم‌مداری شدیدی بین اعضای هر گروه قومی وجود دارد. وجود گرایش‌های قوم‌مدارانه باعث رواج تعصب قومی می‌شود و تعصب نیز در اساس از طریق کاربرد تفکر قالبی عمل می‌کند. تفکر متضمن مقولاتی است که به وسیله آن‌ها ما تجربه خودمان را طبقه‌بندی می‌کنیم. اما گاهی این مقولات، هم بر پایه اطلاعات غلط شکل گرفته‌اند و هم انعطاف‌ناپذیرند.

«تفکر قالبی»^۱ اگر از لحاظ محتوای عاطفی «خنثی» و از منافع فرد مربوطه دور باشد، ممکن است بی‌زیان باشد. آن‌جا که «تصورات قالبی»^۲ با اضطراب یا ترس ارتباط دارد، وضعیت ممکن است کاملاً متفاوت باشد. در چنین شرایطی، تصورات قالبی معمولاً با نگرش‌های خصمانه یا نفرت نسبت به گروه مورد نظر آمیخته‌اند.

تفکر قالبی اغلب با مکانیسم روان‌شناختی «جابه‌جایی»^۳ پیوند نزدیک دارد. در جابه‌جایی، احساس دشمنی یا خشم علیه موضوعاتی هدایت می‌شود که منشأ حقیقی آن‌ها اضطراب‌ها نیستند. افراد خصومت و خشم خود را علیه «بلا

می‌پذیرد که هم وجه تفریحی دارد و هم وجه آموزشی. البته در این‌جا، تنها به امکانات مدرسه در این زمینه می‌پردازیم.

امکانات سیاحتی به افراد اجازه می‌دهد تا بر تحرک فیزیکی خود بیفزایند و از این طریق با محیط‌های اثباتی (طبیعی)، فرهنگی و اجتماعی در معرض جامعه آشنا شوند. این خود احتمال تعریض «افق هنجاری» و بسط «عام‌گرایی» را افزایش می‌دهد. انتظار می‌رود، چنانچه امکانات سیاحتی به عنوان جزئی از برنامه‌های پرورشی نظام آموزش رسمی برای مقاطع مختلف تحصیلی فراهم شود، به طوری که دانش‌آموزان بتوانند به صورت دسته‌جمعی به اقصی نقاط جامعه سفر کنند و از نزدیک با آداب و رسوم، هنر و سبک زندگی، خرده فرهنگ‌ها و اقوام مختلف جامعه آشنا شوند، از خودمحوری، قوم‌مداری و خاص‌گرایی آن‌ها کاسته شود و در عوض بیاموزند و به این‌باور برسند که دیگران رادر هر نقطه‌ای از جامعه که باشند، به اصطلاح به یک چشم نگاه کنند.^۴

معمولاً در یک جامعه چند قومی، بخصوص اگر به لحاظ توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مراحل اولیه و به

در ادبیات و فرهنگ عامه ایرانی، اشعار و ضرب‌المثل‌های زیادی وجود دارد که هر کدام به گونه‌ای، بر نقش غیر قابل انکار سفر در پختگی انسان‌ها صحه می‌گذارند؛ از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی.

یا

دنیا دیدن بهتر از دنیا خوردن است.

بعلاوه، دین اسلام نیز در بسیاری از موارد پیروان خود را به گردش بر روی زمین و تفکر و تدبیر در باب پدیده‌های گذشته و حال آن دعوت می‌کند.^۱ با توجه به پیچیدگی جوامع فعلی و ضرورت تربیت نسل‌های جدید جامعه متناسب با تحولات اجتماعی، لازم است که دانش‌آموزان علاوه بر آموزش‌های رسمی و غیررسمی در نهادهای مختلف دست در کار «جامعه‌پذیری» کودکان و نوجوانان و جوانان جامعه، از امکانات دیگری از قبیل امکانات سیاحتی توسط خانواده و مدرسه استفاده کنند. در واقع، در آموزش و پرورش کشور و در کنار آن در خانواده، باید تحولی اساسی و بنیادی اتفاق افتد. این تحول از طریق ترتیب دادن گردش جمعی و هدفدار و برنامه‌ریزی شده برای بازدید از نقاط مختلف کشور صورت

گردان‌ها^۶ خالی می‌کنند، و آن‌ها را به خاطر هر آنچه که منبع آشفتگی‌هایشان است، مقصر می‌شمارند. بلاگردانی در شرایطی متداول است که گروه‌های محروم قومی به خاطر پاداش‌های اقتصادی با یکدیگر رقابت می‌کنند.

بلاگردانی غالباً متضمن «فراقبلی»^۷، یعنی نسبت دادن ناآگاهانه تمایلات یا ویژگی‌های خود به دیگران است. در شرایطی که افراد ناکامی قابل ملاحظه‌ای را تجربه کنند، یا ناچار شوند با دقت تمایلات خویش را کنترل کنند، ممکن است نتوانند احساسات درونی خویش را بشناسند و آن‌ها را به سوی دیگران فرا فکنند.^۸

با توجه به بحث‌های بالا می‌توان گفت، یکی از موانع عمده توسعه اقتصادی و اجتماعی در جوامع در حال توسعه، وجود گرایش بازدارنده‌ای نظیر خاص‌گرایی، قوم‌مداری و خودمحوری است. این نوع ویژگی‌ها بیش‌تر در شخصیت‌های ابتدایی یا ضعیف وجود دارد. در حالی که شخصیت پیشرفته در هر وضعیتی دارای هدف است، استعداد یادگیری تعمیم یافته خود را به کار می‌گیرد، هویت فردی دارد و در همان حال، از تعهد تعمیم یافته نسبت به دیگران (عام‌گرایی) برخوردار است.^۹

قبل از ورود به مباحث بعدی لازم است، برخی از مفاهیم عمده تعریف شوند. این مفاهیم عبارتند از: شخصیت، شخصیت ابتدایی، شخصیت سازشکار یا سستی، شخصیت مصلحت‌جو، شخصیت تفکیک شده، شخصیت پیشرفته، خاص‌گرایی و عام‌گرایی.

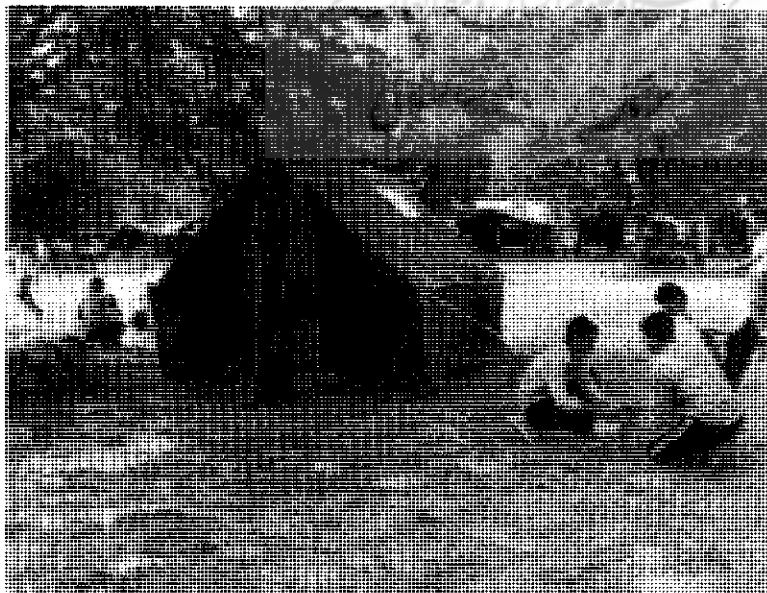
شخصیت: عبارت از نظام تمایلات فرد است. تمایلات نیازهای هنجاری شده‌ای هستند که طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند. موجود انسانی هنگام تولد به عنوان نظام ارگانیک، چیزی جز یک ماشین نیاز با ظرفیت‌های بالقوه نیست. طی فرایند جامعه‌پذیری، فرد در برخورد با نظام‌های اثباتی (طبیعی)، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را درونی می‌کند و بتدریج، تمایلات گوناگون و در عین حال مرتبط به هم را کسب می‌کند و از این طریق حائز شخصیت می‌شود.

شخصیت ابتدایی یا ضعیف: شخصیتی است که قطب‌های تنظیم‌کنش در آن رشد نیافته باشند و ارتباط بین آن‌ها نیز ضعیف باشد. یعنی در شخصیت ابتدایی، هوش، ظرفیت اجرا و هویت فردی همگی ضعیف هستند. در چنین شخصیتی، تعهد و وابستگی عاطفی ضعیف و

خاص‌گراست. در ضمن، روابط بین چهار قطب نیز ضعیف است.

شخصیت سازشکار یا سستی: شخصیتی است که در آن قطب‌های پویای شخصیت، مثل «هوش» تحت انقیاد قطب‌های کنترل‌کننده، مثل «وابستگی عاطفی به دیگران» واقع شده‌اند. دارنده این شخصیت، با احساس تعهد شدید نسبت به دیگران (گروه خودی)، در مواجهه با شرایط جدید آمادگی پذیرش نوآوری و ارائه راه‌حل‌های تازه را ندارد.

شخصیت مصلحت‌جو: شخصیتی است که در آن قطب‌های پویای شخصیت، مانند «هوش» بر قطب‌های بازدارنده، مثل «وابستگی عاطفی» تسلط دارند. چنین شخصیتی بی‌آن‌که تعهدی نسبت به عموم احساس کند، هوش خود را برای به حداکثر رساندن منافع خود به صورت فرصت‌طلبانه به کار می‌گیرد.



شخصیت تفکیک شده: شخصیتی است که گرچه قطب‌های کنترل شخصیت در آن به حد کافی رشد پیدا کرده‌اند، ولی بین آن‌ها ارتباط و انسجام لازم وجود ندارد. در چنین شخصیتی، در وضعیت‌های مختلف یکی از قطب‌های کنترل‌کننده آن، متناسب با وضعیت فعال می‌شود. از جمله، در محیط اثباتی و اقتصادی، هوش او فعال می‌شود، بدون آن‌که تعهدش نیز فعال شود.

شخصیت پیشرفته: شخصیتی است که در آن تفکیک و انسجام صورت گرفته باشد؛ به طوری که قطب‌های کنترل‌کننده شخصیت، شامل هوش، ظرفیت اجرا، وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته و هویت فردی، نه فقط رشد یافته باشند، بلکه در عین حال در یکدیگر نفوذ کرده باشند.^۹

خاص گرابی: یعنی باقی ماندن «سوگیری ارزشی» در محدوده گروه‌های اولیه. در چنین حالتی، این روابط مانع برقراری روابط «بین گروهی» و حائز

پیامدهای ناخواسته‌ای برای جامعه خواهد شد؛ مثل جایگزینی «روابط» به جای «ضوابط».^{۱۰}

عام‌گرایی: یعنی تحول در «سوی‌گیری ارزشی» از محدوده گروه‌های اولیه به گروه‌های ثانویه؛ یعنی گذر از «برادری قبیله‌ای» به «دیگری‌عام»^{۱۱}. با این سوگیری ارزشی، کنشگر اجتماعی در هر وضعیتی سایرین را به اصطلاح به یک چشم می‌بیند و با آن‌ها بر اساس ضوابط عام مربوط به مقوله کنشگران آن وضعیت برخورد می‌کند.^{۱۲}

زمینه‌ها و چارچوب نظری

همان‌گونه که قبلاً بحث شد، تکوین شخصیت اجتماعی پیشرفته از طریق فرایند جامعه‌پذیری صورت می‌پذیرد. فرایند جامعه‌پذیری غالباً از نظام فرزند-مادری شروع می‌شود و به دنبال آن، فرد با نظام‌های پدر-فرزندی، خواهر-برادری، مدرسه، گروه همسالان، گروه‌های حرفه‌ای، وسایل

ارتباط جمعی و... مواجه می‌شود. هدف‌های جامعه‌پذیری یا اجتماعی کردن عبارتند از:

۱. شخص باید بتواند، مهارت‌های ضروری را که برای زندگی اجتماعی در جامعه ضروری است، فرا بگیرد.
۲. شخص باید بتواند، به صورت مؤثری با دیگران ارتباط برقرار کند و توانایی خواندن، نوشتن و سخن گفتن پیدا کند.
۳. فرد باید بتواند، نیازهای بدنی خود، همچون قضای حاجت را به شیوه‌های قابل قبول جامعه فرا گیرد.

۴. فرد باید ارزش‌ها و اعتقادات اساسی جامعه خود را در ذهنش متمرکز کند.^{۱۳}

هر جامعه‌ای با گردش مداوم اعضای خود سروکار دارد. اعضای مسن‌تر می‌میرند و نوزادگان جانشین آن‌ها می‌شوند. این امر مسأله بزرگی به وجود می‌آورد: موضوع این است که نوزادگان هر جامعه، با آن‌که از میراث ژنتیکی مشترکی با افراد از دست رفته برخوردارند، از توانایی فرهنگی آن‌ها محرومند. به عبارت دیگر، هیچ کدام از آن‌ها درباره ذخیره‌های اطلاعاتی متنوع جامعه، از دیانت گرفته تا فناوری، چیزی نمی‌دانند. همه این‌ها اطلاعاتی هستند که باید آموخت. مطلبی را می‌توان این‌طور هم بیان کرد: جامعه همواره با گروهی از «مشمولان» خام و نادان سروکار دارد که باید آن‌ها را به افراد تولیدکننده و مسؤول میل کند تا بتوانند، همیارانه با دیگران کار کنند و به سهم خود در تأمین رفاه و آسایش گروه مشارکت جویند.

در حقیقت، هر جامعه‌ای برای انتقال میراث فرهنگی خود به نسل‌های آینده، نیازمند سیستمی است که بتواند این میراث را به شیوه‌ای مناسب و مؤثر به نسل‌های آینده منتقل کند. این سیستم باید شامل روش‌ها و ابزارهایی باشد که بتواند با توجه به شرایط و نیازهای جامعه، این انتقال را به بهترین شکل انجام دهد.

در حقیقت، هر جامعه‌ای برای انتقال میراث فرهنگی خود به نسل‌های آینده، نیازمند سیستمی است که بتواند این میراث را به شیوه‌ای مناسب و مؤثر به نسل‌های آینده منتقل کند. این سیستم باید شامل روش‌ها و ابزارهایی باشد که بتواند با توجه به شرایط و نیازهای جامعه، این انتقال را به بهترین شکل انجام دهد.



وسیله‌ای که جامعه‌های انسانی برای انجام این وظایف به کار می‌گیرند، فرایند «اجتماعی کردن» یا «جامعه‌پذیری» نامیده می‌شود. در این جا با فرایند پیچیده‌ای سروکار داریم که در واقع از همان زمانی آغاز می‌شود که کودک تمیز می‌دهد، کنش‌های او می‌تواند موجب بروز واکنش‌هایی در دیگران شود؛ واکنش‌هایی که بعضی از آن‌ها خوشایند هستند و بعضی دیگرشان ناخوشایند.^{۱۴}

نکته‌ای که باید بدان توجه کنیم آن است که در جریان تلاش‌های جامعه برای رویارویی با محیط پیرامونی خود، مهم‌ترین منبع قدرت آن همواره عبارت بوده است از اطلاعات انبوه و پردازنده‌ای که در ژن‌های اعضایش ذخیره شده است. زیرا ژن‌هایی که هریک از ما به هنگام بسته شدن نطفه‌مان دریافت می‌داریم، حاوی اطلاعاتی است که نه فقط برای حفظ و ادامه زندگی، بلکه برای هر کار دیگری که انجام می‌دهیم، از نفس کشیدن و راه رفتن تا یادگیری و ایجاد ارتباط، اهمیتی حیاتی دارد.

چنان‌که زیست‌شناسان کشف کرده‌اند، هریک از گونه‌های گیاهی و جانوری میراث ژنتیکی منحصر به فردی دارند. این میراث حاصل نوعی فرایند تحولی است که از ۳ میلیارد سال پیش تاکنون در جریان بوده است. به علت همین فرایند، هر موجود زنده انبوه‌ای از اطلاعات در اختیار دارد که به طور شیمیایی «رمز بندی» شده و از پدر و مادر خود دریافت می‌دارد.

افراد هیچ‌گونه اختیاری در مورد اطلاعات ذخیره شده در ژن‌هایشان ندارند.

با این حال، همین اطلاعات زندگی هر موجود زنده را شکل می‌دهد و هدایت می‌کند. اطلاعات ذخیره شده در ژن‌های ما، همچون اطلاعاتی که در مغز خود داریم، حاصل تجربه‌اند. اما این اطلاعات تجربی، برخلاف اطلاعاتی که از راه یادگیری به دست می‌آوریم، حاصل تجربه شخصی خود ما نیستند؛ بلکه از مجموع تجربه‌های نسل‌های بی‌شماری از نیاکان ما فراهم شده است. اما در کنار این، ما از طریق یادگیری نیز به کسب تجربه می‌پردازیم. یادگیری فرایندی است که به موجب آن، یک اندام زنده به طور تجربی اطلاعاتی درباره توانایی تغییر رفتار به دست می‌آورد.^{۱۵}

از تأثیر ژن‌ها بر زندگی آدمیان هنوز چیز زیادی نمی‌دانیم. با این وصف، مجموع اطلاعات به دست آمده آن قدر هست که بتوان بعضی از فرضیه‌های مشهور قدیمی، همچون فرضیه «لوح پاک» را کنار گذاشت.^{۱۶} به موجب این فرضیه که میان فیلسوفان و دانشمندان علوم اجتماعی علت رواج پر دامنه این فرضیه، آینده نوید بخشی بوده که می‌شد از آن استنتاج کرد. زیرا اگر درست باشد که کودک با مغز و ذهنی «پاک» و تأثیرپذیر به دنیا می‌آید، پس این امکان وجود خواهد داشت که با نوعی برنامه‌ریزی دقیق و آموزش‌های مناسب، بتوان بسیاری از بلاهای اجتماعی مانند جنگ و جنایت و بهره‌کشی اقتصادی را از سطح کره زمین محو کرد. اگر جامعه می‌تواند مردم را خودخواه، بی‌رحم و پرخاشگر بسازد، پس این قدرت را هم دارد که مردم را مهربان، بخشنده و ملاحظه‌کار بار بیاورد.^{۱۷}

با این حال، امروز، پس از یک قرن ناکامی در تلاش‌های اصلاح‌گرانه، از یک

سو، و برخی نتایج حاصل از علوم جدیدی چون ژنتیک و نخستین شناسی، از سوی دیگر، روشن شده است که مردم و جامعه‌هایشان، عمیقاً از میراث ژنتیک ما انسان‌ها و همچنین از مختصات فرهنگی‌شان تأثیر می‌پذیرند.^{۱۸}

با توجه به بحث‌های بالا، چنانچه با رویکرد توسعه‌ای به پرورش و تربیت انسان بنگریم و این فرض را نیز بپذیریم که انسان، هم هدف و هم وسیله توسعه است، در این صورت می‌توان ادعا کرد که در کلان موضوع توسعه باید تحولات عمده‌ای در سطح ساختارهای کلان جامعه صورت گیرد و بدون فراهم آمدن چنین تحولاتی، امکان ایجاد توسعه مورد نظر در جامعه وجود نخواهد داشت. در عین حال، در سطح خرد، انسان نقش محوری در امر توسعه ایفا می‌کند. در ضمن، دوباره باید بر این نکته تأکید کرد که، مهم‌ترین بعد انسانی در این سطح، نظام شخصیت انسان است. به تعبیر دیگر، از دیدگاه جامعه‌شناختی، فرایند جامعه‌پذیری که در آن نظام شخصیت شکل می‌گیرد، جزئی از فرایند توسعه است. بارشد شخصیت‌های انسانی، زمینه لازم برای توسعه و تحول ساختاری مورد نیاز فراهم می‌آید و با تحول و تعریض ساختاری، امکان بیش‌تری برای رشد شخصیت افراد فراهم می‌شود. بدون نظم شخصیتی مطلوب، امکان دسترسی به یک نظم اجتماعی مطلوب میسر نیست و برعکس. با این حساب، تغییر سازنده یا توسعه ایجاب می‌کند که ساختار اجتماعی، همزمان فرایند تفکیک و انسجام را تجربه

به طور رسمی یکپارچه
عناصر عضویت در اجتماع
جامعه‌ای. رابطه فرد نسبت
می‌کند و به آن جامعه‌ای نظم
و انسجام عملی خود را نسبت
به آن تقویت نماید. به بحث این
عناصر نسبت به شخصیت
جامعه انسانی نظر می‌کند.

نمایند و در همان حال، نظام‌های شخصیت، فرایند تفکیک و انسجام را در فرایند جامعه‌پذیری تجربه کنند.

همان‌گونه که در بالا بحث شد، رشد شخصیت پیشرفته برای اکثریت افراد جامعه لازم و ملزوم فرایند توسعه اجتماعی است و یکی از ویژگی‌های چنین شخصیتی، «سوگیری ارزشی عام‌گرایانه» است. حال سؤال اساسی این است که چگونه می‌توان در فرایند آموزش رسمی در مدرسه، این ویژگی را در دانش‌آموزان بسط داد؟ در واقع، به جای بسط تفصیلی بحث، می‌توان پاسخ را به شکل یک تئوری قیاسی مقدماتی بیان کرد. این تئوری حاوی چهار قضیه است. قضیه شرطی عام، اولین قضیه و سه قضیه دیگر، شروط وقوع را بیان می‌کنند:^{۱۹}

تئوری رشد شخصیت مدرن (پیشرفته) قضیه شرطی عام

اگر محیط‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی بیش‌تر و متنوع‌تری درونی شوند، امکان رشد شخصیت بیش‌تر می‌شود.

به یکی از مهم‌ترین اهداف
که نقش محوری در تحولات
بعدی محیط و به عبارت دیگر،
سوگیری ارزشی فرد است
کنند. این عناصر نسبت
به آن تقویت نماید. به بحث این
عناصر نسبت به شخصیت
جامعه انسانی نظر می‌کند.

قضایای شروط وقوع

۱. تحرکات فردی در ابعاد تحرک فیزیکی، اقامتی، شغلی، موضعی و رابطه‌ای باید میسر باشند.

۲. فرصت‌های فردی در ابعاد آموزشی، شغلی، سیاحتی گروهی و مادی باید وجود داشته باشند.

۳. جامعه کل باید از نوع اجتماع عام بهره‌مند باشد. به طوری که در آن، میزان اختلالات نمادی، هنجاری، رابطه‌ای و توزیعی حداقل باشد و یا حداقل در حال کاهش باشد.

از آن‌جا که بحث اصلی مقاله، بررسی رابطه «امکان سیاحتی گروهی» و «سوگیری ارزشی عام‌گرایانه» در شخصیت اجتماعی دانش‌آموزان است، لذا به اجمال به توضیح این بخش از تئوری می‌پردازیم. همان‌گونه که می‌دانیم، انگاره‌های ارزشی در نظام خانواده به طور عمده خاص‌گرا، عاطفی و انتشاری هستند. در حالی که در سازمان رسمی مدرسه، انگاره‌های ارزشی اساساً عام‌گرا، خنثی و ویژه هستند. بعلاوه، کسب

اطلاعات، دانش، مهارت و شناخت بیش تر از طریق آموزش رسمی، به شخص کمک می کند تا افق هنجاری خود را توسعه دهد و با تنسيق نمادی محیط و محاسبه دقیق تر، هدف های خود را در چارچوب کلی جامعه به صورت شفاف تر تدوین نماید.

افزون بر این، آموزش رسمی یکپارچه احساس عضویت در «اجتماع جامعه ای» را به فرد تلقین می کند و به او اجازه می دهد تا احساس تعلق و تعهد خود را نسبت به آن تعمیم دهد و تقویت نماید. با ایجاد و تقویت این احساس عضویت و تعلق است که شخص احساس تعهد عمومی به جامعه کل را کسب می کند. همچنین، محتوای آموزش و برنامه های مختلف مدرسه ها می توانند، تثبیت منش ملی و دلبستگی به میراث فرهنگی، اجتماعی و... را در افراد به گونه ای ایجاد کنند که آن ها در وقت لازم از منافع فردی، خانوادگی، گروهی و قومی خود در جهت حفظ منافع ملی بگذرند. قدر

مسلم آن است که امروزه آموزش و پرورش رسمی نقش بسیار مهمی در جامعه پذیری یکپارچه و گسترده برای تقویت اجتماع جامعه ای ایفا می کند.

بی دلیل نیست که بعضی از کشورهای پیشرفته طی دوران آموزش رسمی از ابتدایی تا عالی، بخصوص آموزش ابتدایی، دانش آموزان خود را به اردوهای سیاحتی - علمی به اکتاف کشور می برند و آن ها را با مردمان مختلف و خرده فرهنگ های متنوع موجود در کشور خود آشنا می سازند. بعلاوه، این مسافرت ها و اردوهای جمعی سراسری می تواند، دانش آموزان را با شرایط و امکانات طبیعی و جغرافیایی نقاط مختلف آشنا کند.

به این ترتیب، احساس مثبت دانش آموزان را نسبت به همه اعضای اجتماع جامعه ای، با کاستن از گرایش قوم مداری افزایش می دهند. می توان گفت، در صورتی که در ساخت شبکه تعاملات

جامعه، روابط بین گروهی قابل ملاحظه باشد، این امر به تقویت وابستگی عاطفی تعمیم یافته کمک می کند و در مقابل وابستگی عاطفی تعمیم یافته، روابط بین گروهی را در شبکه تعاملات اعضای جامعه تقویت می کند؛ یعنی؛ عام گرایی را تقویت و خاص گرایی را تضعیف می نماید.

فرضیه اصلی

اگر در طول سال تحصیلی امکانات بازدید دانش آموزان از موزه ها یا اماکن تاریخی یا اردوهای تفریحی - علمی در مناطق مختلف کشور فراهم باشد، عام گرایی (وابستگی عاطفی تعمیم یافته) در دانش آموزان تقویت خواهد شد.

روش تحقیق: روش تحقیق از نوع پیمایشی بود که به وسیله پرسشنامه، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شد. جامعه آماری حدود ۴۱۴۲ نفر از دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی مشغول به تحصیل در منطقه ۶ آموزش و پرورش تهران در سال تحصیلی ۷۹-۷۸ را شامل می شد که از این تعداد، ۲۰۳۷ نفر پسر و ۲۱۰۵ نفر دختر بودند. با توجه به محدودیت، نمونه ای معرف بر اساس «فرمول نمونه گیری کوکران» انتخاب شد که شامل ۲۸۶ نفر بود. لیکن تعدادی از پاسخگویان پرسشنامه تحقیق را برنگرداندند. لذا نمونه از تعداد فوق به ۲۶۵ نفر (۱۳۳ پسر و ۱۳۲ دختر) تقلیل یافت. متغیر وابسته شخصیت اجتماعی، با حدود ده شاخص شامل: نظم در امور، مسؤلیت پذیری، اعتماد به نفس، روحیه جمعی داشتن، نوپذیری، آزادمنشی،



آینده‌نگری، احترام به دیگران، رفتار عقلانی و خلاقیت دانش آموز، روی یک طیف سه درجه‌ای هیچ، کم و زیاد بود. نمرات حاصل از این طیف نیز در سه رده ضعیف، متوسط و عالی (پیشرفته) دسته‌بندی شد.

اردوها بر اساس برنامه‌ای از پیش تعیین شده و به تناوب در نقاط مختلف کشور که هم از نظر قومی و هم از نظر جغرافیایی متفاوت هستند، برگزار شوند. تدوین برنامه‌ها و مواد و محتوای آن‌ها باید با مشارکت دانش آموزان

- علمی چنین بود: ۰/۴ درصد یا یک نفر دارای مشارکت کم، و ۱/۷ درصد یا ۴ نفر دارای مشارکت زیاد بودند.

در گروه دانش آموزان دارای شخصیت اجتماعی متوسط، وضعیت میزان برگزاری و

گروه	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
گروه اول	۰/۴	۱/۷	۲/۶	۴/۳	۶/۱
گروه دوم	۰/۴	۱/۷	۲/۶	۴/۳	۶/۱
گروه سوم	۰/۴	۱/۷	۲/۶	۴/۳	۶/۱
گروه چهارم	۰/۴	۱/۷	۲/۶	۴/۳	۶/۱
گروه پنجم	۰/۴	۱/۷	۲/۶	۴/۳	۶/۱
گروه ششم	۰/۴	۱/۷	۲/۶	۴/۳	۶/۱
گروه هفتم	۰/۴	۱/۷	۲/۶	۴/۳	۶/۱
گروه هشتم	۰/۴	۱/۷	۲/۶	۴/۳	۶/۱
گروه نهم	۰/۴	۱/۷	۲/۶	۴/۳	۶/۱
گروه دهم	۰/۴	۱/۷	۲/۶	۴/۳	۶/۱

یکی از فعالیت‌های جمعی اساسی که می‌تواند نقش انکارناپذیری در تقویت بعد جمعی و یا به عبارت دیگر، سوگیری ارزشی افراد، یعنی گذار از خاص‌گرایی به عام‌گرایی داشته باشد، برگزاری اردوهای تفریحی-علمی و مشارکت دانش آموزان در این قبیل اردوهاست؛ مشروط بر آن که این

و معلمان با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی منطقه محل اردو تنظیم و تدوین شود. با توجه به این بحث، ارقام مندرج در جدول بالا، حاکی از آن است که: در گروه دانش آموزان دارای شخصیت اجتماعی ابتدایی، وضعیت میزان برگزاری و مشارکت دانش آموزان در اردوهای تفریحی

مشارکت دانش آموزان در اردوهای تفریحی-علمی برگزار شده از سوی مدرسه چنین بود: ۴/۳ درصد یا ۱۰ نفر دارای مشارکت کم، ۲/۶ درصد یا ۶ نفر دارای مشارکت متوسط و ۶ درصد یا ۱۴ نفر دارای مشارکت زیاد بودند.

سرانجام، در گروه دانش آموزان دارای شخصیت اجتماعی پیشرفته، وضعیت میزان

برگزاری و مشارکت دانش‌آموزان در اردوهای علمی - تفریحی برگزار شده از سوی مدرسه چنین بود: ۱۶/۸ درصد یا ۳۹ نفر دارای مشارکت کم، ۳۴/۹ درصد یا ۸۱ نفر دارای مشارکت متوسط و ۳۳/۲ درصد یا ۷۷ نفر دارای مشارکت زیاد بودند.

همچنین، ۳۳ نفر از افراد نمونه نیز به این سؤال پاسخی ندادند. رابطه دو متغیر نیز به لحاظ آماری معنی‌دار و مثبت بود:

$$F = ۰.۰۴ \text{ معنی داری و } d.f = ۴, \\ x^2 = ۹.۵$$

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، هرچه میزان برگزاری و مشارکت دانش‌آموزان در اردوهای تفریحی - علمی برگزار شده از سوی مدرسه بیش‌تر بوده، شخصیت دانش‌آموزان بیش‌تر از نوع پیشرفته شده است و به عبارت دیگر، عام‌گرایی در دانش‌آموزان بیش‌تر شده است.

نتیجه‌گیری

در مجموع، برگزاری اردوهای تفریحی - علمی تأثیر عمده‌ای در تقویت عام‌گرایی دانش‌آموزان دارد. این اردوها، هم می‌تواند از سوی مدرسه و هم از سوی آموزش و پرورش به عنوان یک برنامه اجباری پذیرفته شود و زمان خاصی نیز برای آن در طول سال تحصیلی تعیین شود. البته در کنار برگزاری اردو، می‌توان برنامه‌های بازدید از اماکن تاریخی و موزه‌های مردم‌شناسی و یا موزه‌های مربوط به آثار باستانی را نیز گنجاند. همچنین، در درس‌های تاریخ، جغرافیا و اجتماعی نیز این رویکرد را در تدوین محتوای درس مدنظر قرار داد.

زیرنویس:

۱. سوره‌های: آل عمران، آیه ۱۳۷؛ انعام، آیه ۱۱؛ نحل، آیه ۳۶؛ نمل، آیه ۶۹؛ عنکبوت، آیه ۲۰؛ روم، آیه ۴۲؛ سبأ، آیه ۱۸.

۲. مسعود، چلی. جامعه‌شناسی نظم. نشر نی. ۱۳۷۵. ص ۲۴۱.

3. Stereotypical Thinking

4. Stereotypes

5. Displacement

6. Scapegoat

۷. آنتونی، گیدنز. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. نشر نی. ۱۳۷۳. صص ۶۵-۶۴.

8. Richard, Munch. Understanding Modernity. 1988.

۹. همان، صص ۳۱-۳۰.

10. from Tribal brotherhood to universal other hood.

۱۱. همان، ص ۱۵۹.

۱۲. همان، ص ۱۵۹.

۱۳. بروس، کوئن. مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه

غلامعباس توسلی و رضا فاضل. ۱۳۷۲. ص ۱۰۶.

۱۴. گرهارد، لنسکی و پاتریک، نولان. جامعه‌های

انسانی. ترجمه دکتر ناصر موفقیان. ۱۳۸۰. صص

۲-۳۱.

15. W.H, Thorpe. Learning and Instinct in Animals, 2d ed. 1963. p. 55. / Rubin, Zick, and et al. Psychology, 1993. PP. 151-152.

16. John, Locke. An Essay Concerning Human Understanding. 1959.

۱۷. گرهارد، لنسکی و پاتریک، نولان. جامعه‌های

انسانی. ص ۵۴.

18. Reinhold, Niebuhr. The Nature and

Destiny of Man. 1943. vol (1). / Robert, Heilbroner. An Inquiry into the Human Prospect. 1991. chap. 4.

۱۹. مسعود، چلی. جامعه‌شناسی نظم. ص ۲۳۹.

منابع:

۱- مسعود، چلی. جامعه‌شناسی نظم: تشریح و

تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی،

۱۳۷۵.

۲. بروس، کوئن. مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه

غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: انتشارات

سمت، ۱۳۷۲.

۳. آنتونی، گیدنز. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر

صبوری. تهران: نشر نی، ۱۳۷۳.

۴. گرهارد، لنسکی و پاتریک نولان. جامعه‌های

انسانی. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی،

۱۳۸۰.

5. Robert, Heilbroner. An Inquiry into The Human Prospect. New York: Norton, 1991. chap. 4.

6. Richard, Münch. understanding Modernity. London: Routledge. 1988.

7. John, Locke. An Essay Concerning Human understanding. New York: Dover. 1959.

8. Reinhold, Niebuhr, The Nature and Desting of man. New York: Scribner. 1943. vol. 1.

9. W.H., Thorpe. Learning and Instinct in Animals, 2d. ed. Cambridge, Mass: Harvard, 1963.

10. Zick, Rubin. and et al. psychology. Boston: Houghton - Mifflin, 1993.